

## افلاطون در ایران

«برای بزرگواری و بلندی مقام افلاطون همین بس که موسس حکمت الهی است، و استاد فلسفه نظری، و راهنمای مسلک اشراق و رهبر رموز منط و خطابه و آموزگار اخلاق و سیاست و شورانگیز محفل روحانیان، و نماینده حقیقت عشق، و هادی عقل به سوی ادراک مجردات، و افضح بلغای یونان است، و معرف سقراط، و مربی ارسطو، و اگر شما گذشته از انبیاء کسی را از افشار بشر دارای این مقام می شناسید من نمی شناسم.»

محمدعلی فروغی (دکاه‌الملک)

\*\*\*

**مسعود زنجانی**: سرآغاز ترجمه آثار افلاطون در ایران به حدود نود سال قبل برمی گردد. تاجردان محمدعلی فروغی ترجمه‌ای شیوا از چهار محاوره آپولوزی، کریتون، ائوفرون و فایدون (محاورات مباحه) را در سال ۱۲۹۷ در بخش دوم کتاب «حکمت سقراط و افلاطون» منتشر کرد.

پس از محاورات مباحه، رساله هرمیاسم به ایراد سخنانی درباره میان آثار افلاطون نظر عنایت مترجمان فارسی را به خود جلب کرد. این رساله در فاصله یک دهه (۱۳۳۵–۱۳۲۵) سه ترجمه مختلف یافت. بار نخست توسط احمد توکلی بار دوم به دست رضا مشایخی (فهاد) در دو سیم بعد از ترجمه عالی ترجمه مختلف یافت. بار نخست توسط احمد توکلی بار دوم به دست رضا مشایخی (فهاد) در دو سیم دهه بود که فراد روحانی به فارسی برگردانده شد. در همین دهه بود که عزمی جدی برای ترجمه تمامی آثار افلاطون به زبان فارسی سر برآورد. رضا کاویانی و محمدحسن لطفی با ترجمه دو محاوره کریتون و لائس در سال ۱۳۳۵ نیز عزم کردند و از آن پس هم کار مشترک را در ترجمه ۹ محاوره دیگر و یک نامۀ (نامه شماره هفت) ادامه دادند. اما پس از آنکه مرگ زودرس رضا کاویانی میان آنها جدایی افکند، ای بار گران بیست سال آن را به سرانجام مقصود رساند. لطفی با همت بی‌همتای خود توانست تمامی آثار مکتوبی که با نام افلاطون پیوند داشت (تمامی محاورات، اعم از اصیل و غیراصیل و تمامی نامه‌ها و اشعار) را پیش از مرگ خود به فارسی برگرداند و بدینسان دینی عظیم و جبران‌ناپذیر نیز بر گردن همه افلاطون‌دوستان فارسی‌زبان نهاده باشد.

دهی پیش گفته سر آغاز ترجمه پاره‌ای دیگر از محاورات افلاطون نیز بود. مرحوم دکتر محمدحسن انبنداد در سال ۱۳۴۴، پنج محاوره لائس (شجاعت)، لویسیس (دوستی)، ایون، پرتاگوراس و مهمانی را تحت عنوان «پنج رساله» و سپس در سال ۱۳۳۵ چهار محاوره دیگر، یعنی منون، فایدروس، ثئای تئوس و هیبیاس بزرگ را تحت عنوان «چهار رساله با دقت و هنرمندی، ترجمه و منتشر کرد. اما وی نیز به جهت مرگ زود هنگامش از ترجمه بیشتر آثار افلاطون بازماند. گفتنی است از میان محاورات افلاطون، محاورات فایدون، ایون، و مهمانی بخت ترجمه‌های مجدد را نیز داشته‌اند. فایدون را محمد مهدی خدیوی‌زئد در سال ۱۳۴۷ به فارس برگرداند و ترجمه‌ای از ایون را رضا حسینی در سال ۱۳۷۲ در مجله گلک به چاپ رساند. ترجمه محمود صناعتی از مهمانی در سال ۱۳۸۱ با ویرایشی جدید توسط فرهنگ جهانبخش با نظر به متن یک ترجمه انگلیسی جدید از آن (به همراه مقدمه و حواشی) منتشر شد و در سال ۱۳۸۲ نیز توسط کاملاً فیروززئد ترجمه‌ای دیگر یافت.

## کرامت انسانی از دیدگاه اسلامی و فلاسفه معاصر

نشست «کرامت انسانی از دیدگاه اسلامی و فلاسفه معاصر» با حضور شهین اعوانی دوشنبه ۵ تیر برگزار می‌شود. به گزارش آفتاب‌نوز پنجمین جلسه سخنرانی علمی انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فنآوری به بررسی «کرامت انسانی از دیدگاه اسلامی و

فلاسفه معاصر» اختصاص دارد. در این نشست شهین اعوانی معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی موسسه پژوهشی حکمت و فلاسفه ایران، سخنرانی خواهد داشت. این جلسه روز دوشنبه ۵ تیر ساعت ۱۸ تا ۲۰ در خیابان ولی عصر، و به روی ترمه مسجد ببال، خیابان مهناز، پلاک ۱۵، مرکز پژوهشی معنویت برگزار می‌شود. انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فنآوری با همیاری عده‌ای از استادان، محققان، متخصصان و علاقه‌مندان برای پیشبرد و ارتقای اخلاق در علوم و فنآوری و استفاده از گنجینه عظیم فرهنگ ملی و آموزه‌های دینی در سال ۱۳۸۲ تأسیس شده است. این انجمن پذیرای حضور تمامی اندیشمندان و متخصصان کشور در جمع خود برای همفکری و مشارکت در تیل به آرمان‌های بلند علمی و فرهنگی ایران اسلامی در صحنه‌های ملی و بین‌المللی است.

### آسیا در چشم انداز جهانی

همایش «آسیا در چشم انداز جهانی» سوم تیرماه اسمال در شهر نیویورک نیویارک برگزار می‌شود. به گزارش مهر به نقل از منابع اینترنتی انجمن آسیایی مطالعات مربوط به جهانی شدن برگزارکننده این همایش است. این انجمن معتقد است که آسیا نقش مهمی در وضعیت کنونی و آتی جهان ایفا می‌کند و با توجه به جمعیت و وسعت این قاره هر آینده‌ای که در انتظار بشر باشد بخشی به وضعیت این قاره مربوط و منوط است. به همین جهت در این همایش بنا بر اساس سنت‌های زیادی که این قاره با جهان و موقعیت کنونی بشر برقرار می‌کنند. به بحث گذاشته می‌شود.

### گفت‌وگوی بین ادیان در ایران

موسس معتمد نماینده جامعه یهودیان ایران در مجلس شورای اسلامی، دیروز طی یک کنفرانس مطبوعاتی در روسیه اعلام داشت: گفت‌وگوی بین ادیان مختلف ۲۷۰ سال است که در ایران وجود دارد. به گزارش مهر به نقل از نوسونی روسیه، موسس معتمد که جهت شرکت در همایش بین‌المللی «اسلام و یهودیت: راه‌های همکاری و گفت‌وگو» در مسکو حضور داشت، اظهار کرد: «شاید برای روسیه و سایر کشورها، بحث تقرب ادیان بحثی جدید باشد، اما در ایران ۲۷۰ سال است که این گفت‌وگو وجود دارد.» وی همچنین تصریح کرد: «یهودیان ایران به علت علاقه بسیار به فرهنگ یهودی، ارد، در زمان سرتان به دشواری‌ها نیز جلای وطن نکرده‌اند، آن‌طور که در برخی دیگر از کشورها، تنها کتیبه‌های مترکه و قبرستان باقی مانده است.» به گفته معتمد ایرانی قدیمی‌ترین کشوری است که یهودیان در آن زندگی می‌کنند

و ثبات و امنیت این کشور سبب شده که آنان سال‌ها در ایران زندگی کنند و حتی مقبره برخی از پیامبران نیز در این کشور واقع شده است.

گروه اندیشه :
دومین نشست علمی – پژوهشی «زیبایی‌شناسی قرآن مجید، زیبایی‌شناسی هنرها»، چهارشنبه گذشته در حسینیه الزهراء(س) مجتمع امام خمینی (ره) سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (تهران) با پیام آیت‌الله صافی گلپایگانی برگزار شد. در ابتدای این مراسم مصطفی میرسلیم به ایراد سخنانی درباره زیبایی‌شناسی داستان‌ها و قصص قرآن پرداخت و گفت: برداشت از داستان‌های قرآن چیزی فراتر از داستان‌هایی است که در سایر کتاب‌ها می‌سرایند و در این قصص شاهد جلوه‌های هنری ویژه‌ای هستیم. وی هدف از بیان این داستان‌ها را عبور آفرین از سرگذشت‌انثیا (ع) عنوان کرد و گفت : قرآن کریم با رعایت دو نکته اجمال و تفسیر، توجه مومنان را بر موضوعات خاص متمرکز می‌کند و طوری به بیان مطلب می‌پردازد که به اصل مطلب لطمه‌ای وارد نشده و به بهترین وجه بیان شده است.
گروه پژوهش‌های فلسفی در خصوص تنوع و تجدید مطالب، توجه مومنان را به نکات غیرت‌آموز مذکور جلب کرده است. محمدعلی ایازی قرآن‌پژوه و عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم دیگر سخنران این مراسم بود که به بررسی مبانی زیبایی‌شناسی قرآن پرداخت. وی به تشریح این مبانی پرداخت که برای شروع بحث، باید دید خود قرآن، چگونه خودش را معرفی می‌کند: «در مقاله‌ای که ارائه کرده‌ام، در چند بخش سعی داشتم تا به این مبانی به خوبی پرداخته شود. اول جایگاه قرآن در جذب مخاطب به عنوان اصل اولیه زیبایی‌شناسی، دوم اثرگذاری معنوی قرآن و سپس هدفمندی زیبایی‌شناسی در قرآن.»

بخش از این تقسیم‌بندی به ساختار هندسی آیات قرآن و هماهنگی لفظی و معنوی آیات تخصصی‌ها یافته است. این پژوهشگر دینی با اشاره به دیدگاه‌هایی که از آنها با عنوان «هنر برای هنر» نام برده می‌شود، تصریح کرد که نمی‌توان زیبایی قرآن را بدون توجه به اهداف و پیام‌های بازشناسی کرد و ماهیت این مفاهیم نیز برهنه و عریان نیستند، بلکه برای شناخت آنها ضروری است در مجموعه‌ای از مفاهیمی که یک معنا در آن بیان می‌شود، تعمق صورت گیرد. به گفته ایازی شاید اولین کسی که به این مطلب عنایت داشته، «ایرتسو» بوده است.

در این مراسم، پیام آیت‌الله صافی گلپایگانی توسط حجت‌الاسلام محمدتقی سبحانی خوانده شد. در بخشی از این پیام آمده است: «جمال قرآن یک جمال عام است که از اول تا پایان قرآن کریم از آن ظاهر است و لسان الهی، هر کدام از آن به حسب ذوق و قریحه‌ی خود درک می‌نمایند و هر چه آن را می‌خوانند می‌شنوند از التذاذشان فرو نمی‌کاهد. جمال جمالی است که عرب جاهلی و مشرکان جزیره العرب را به گونهٔ اعجاب‌انگیزی تحت تأثیر قرار داد و دل‌هایشان را به قبول اسلام فتح نمود. آن‌چنان‌که یک سوره و حتی یک آیه‌اش آنها را تکان می‌داد و همه عادات و عریضه‌ها را از آن برطرف می‌کرد.»

حجت‌الاسلام محمدتقی سبحانی خوانده شد. در بخشی از این پیام آمده است: «جمال قرآن یک جمال عام است که از اول تا پایان قرآن کریم از آن ظاهر است و لسان الهی، هر کدام از آن به حسب ذوق و قریحه‌ی خود درک می‌نمایند و هر چه آن را می‌خوانند می‌شنوند از التذاذشان فرو نمی‌کاهد. جمال جمالی است که عرب جاهلی و مشرکان جزیره العرب را به گونهٔ اعجاب‌انگیزی تحت تأثیر قرار داد و دل‌هایشان را به قبول اسلام فتح نمود. آن‌چنان‌که یک سوره و حتی یک آیه‌اش آنها را تکان می‌داد و همه عادات و عریضه‌ها را از آن برطرف می‌کرد.»

## مورچگان و عنکبوتان

**صالح نجفی** : در نوبت پیش‌گفتیم که فرانسیس بیکن آدمیان را در نسبت با معرفت به سه گروه تقسیم و در حقیقت تشبیه کرد: عنکبوتان، مورچگان و زنبوران عمل. و گفت فیلسوفان راستین، یعنی آنان‌ی که به حقیقت به دانستن جش می‌ورزند و توان شکستن بت‌های ذهنی خویش و نوع بشر را دارند، در زمره زنبوران عمل قرار می‌گیرند. اما استعاره بیکن از جهات دیگری هم اهمیت و قوت دارد که در اینجا به آنها تغییر پرداخت. وقتی از «کارخانه عنکبوت» حرف می‌زنیم که به عنوان ژان کالون مدام در کار «تولید» بت است، خواه‌ناخواه در فضای تعبیر و اصطلاحات اقتصادی قرار می‌گیریم، یعنی در فضای تولید و توزیع و گردش و سرانجام مصرف. نکته این است که همان‌طور که بت‌ها اگر پرسیده نشوند معلماً از بت بودن ساقط می‌شوند (و البته این مرتبه‌ای نازل‌تر از شکسته شدن است، و چرا که تعطیلی کارخانه بر اثر ورشکستگی و بر اثر اعتصاب، انقلاب یا شورش کارگران تا بخوایم متفاوت است)، کالاها یعنی همان محصولات و تولیدات کارخانه هم اگر توزیع نشوند، به گردش درنیایند و سرآخر به مصرف نرسند کالا پایستند. «معرفت» به تعبیری شکل قوام‌یافته یا به تعبیر اقتصادی، شکل سه‌بندندی است، «ایده‌ها» (یعنی همان محصولات کارخانه ذهن) است، بسته به شکل تولید، توزیع و مصرف کننده مصرف آن، مشخص می‌کند که تولیدکننده و صد البته تولید فلا معرفت عنکبوت است یا مورچی یا زنبور عسل. کارخانه‌ای را درنظر آورید که بیش از یک حرف هیچ تغییری و تنوعی در محصولات خود ندهد (لا این که تولید خود را از حدیث شمار یا کمتر کرده یا بیشتر که لابد برای بقای کارخانه و به حکم افزایش جمعیت مورچو است تولید خود را بیشتر یا حتی انبوه کرده باشد. باری، سردمداران کارخانه مذکور از این فرض آغاز می‌کنند که چون به نیازهای «بنیادی» مصرف کنندگان پی‌برده‌اند و در واقع هیچ نیاز تازه‌ای در کار نیست و از آن روی که حکیم محرفی گفته است زیر این آسمان آبی هیچ چیز نوی روی نمی‌دهد، لازم نیست به خود زحمت

به ریش خود خندید یا دیگران به ریش او خندند. «معرفت» در نهایت تابع منطق «انباشت» (وجه دیگر حوزه اقتصاد) است و از این حیث، گروه دوم دسته‌بندی بیکن (مورچگان) در عمل همکار دسته اول، یعنی عنکبوتان به شمار می‌آیند. هر یک از ما به لطف تاریخ و فرهنگ غالباً چیزی جز «انباشت» انواع معرفت (نیست) و طبق دستور حکیمانه «گوهر معرفت اندوز» (و نه آموز، چون هم سخت است و هم لزومی ندارد) برای خود عنکبوتی است یا مورچی‌ای «سخت‌کوش» در جمع مورچگان.

## دینانی از ابن‌رشد می‌گوید

است. این کتاب به بررسی آثار و اندیشه‌های فلسفی و کلامی «ابن‌رشد» اختصاص دارد. ابن رشد در راه جمع میان فلسفه و دین قدم گذاشته و معتقد است حکمت و شریعت یا یکدیگر هم‌آهنگ و هم‌راندند و منشاء پیدایش آنها نیز جز حقیقت چیز دیگری نیست. «درخشش ابن‌رشد در حکمت مشاء دربرگیرنده مباحثی چون «پرتو اندیشه‌های ابن رشد و ابن سینا در آثار فلسفی قرون وسطای مغرب‌زمین»، «ابن‌رشد در مقام جمع و توفیق میان فقه و فلسفه»، «جنجالی‌ترین مساله مورد اختلاف میان ابن‌سینا و ابن‌رشد»، «ابن‌رشد و اثبات صانع در دو دلیل عنایت و اختراع»، «جایگاه ابن‌رشد در باب عقل» و «ویژگی روش ابن‌رشد در تقسیم‌بررسی است.»

موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ساعت ۱۶ روز پنج‌شنبه ۱۵ تیرماه نشست با عنوان «درخشش ابن‌رشد در حکمت مشاء» برگزار می‌کند که دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، سخنران این نشست است و درباره کتاب خود سخن می‌گوید. علاقه‌مندان می‌توانند برای شرکت در این نشست در ساعت ۱۶ روز یاد شده به موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران واقع در خیابان ولی عصر، خیابان نوفل لوتفی در شهرک حکمت‌مشاء» سخنرین کتاب به زبان فارسی است که درباره ابن‌رشد به بحث رشتی در آمده

مراجعه کنند.

## حکمت شادان

**گزارش دومین نشست «زیبایی‌شناسی قرآن مجید، زیبایی‌شناسی هنرها»**

# زیبایی‌شناسی کتاب مقدس

برنامه‌های اجاهلیت با ترک می‌کردند. جمال عام قرآن همواره در تجلی و جلوه است و جمال حق جمالی است که اجمل جمال عام، آیات قرآن و سوره‌ای هر کدام جمال و بلکة جمال‌های به‌خصوصی دارند و اشخاص و افراد و علما و دانشمندان هم هر کدام از جمال خاصی بر حسب قریحه و ذوق و فن و معرفت و بصیرت خود بهره می‌برند و نور هدایت می‌گیرند.»

به گزارش ایستا، علی موسوی گومارودی نیز در این نشست در سخنانی کوتاه به بررسی مقوله تساکید در قرآن و نقشی زیبایی‌شناسانه آن پرداخت. سپس رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی درباره روش کشف مفاهیم زیبایی‌شناسانه قرآن به ایراد سخنرانی پرداخت. حجت‌الاسلام علی اکبر صادقی رشاد با اشاره به دیدگاه‌های سه‌گانه‌ای که در زمینه نحوه فهم و استنباط از احساس کند در کارش آگاهی دخالت دارد. هنر اساساً به باطنی، باطنی سوم، پدید آمده است که در جهان عرب و در کشور ما نیز طرفدارانی پیدا کرده و معتقد است به این که

علم اصول باید مورد بسط دوباره و بازپژوهی قرار گیرد تا خلأ‌های فراوان موجود در آن در این فرآیند تولید معرفت به نوعی جبریان شود. رشاد پیشنهاد داد که برای عبور از حوزه زیبایی‌شناسی قرآن با روش استقرایی به بررسی یک به یک توصیف‌هایی که قرآن از زیبایی‌های گوناگون دارد، قریحه و ذوق و فن و معرفت به زیبایی‌شناسی قرآن نائل آییم. سخنران پائینی نوبت صبح این نشست، یحیی یشری بود که گزارشش را با تأکید بر این که اسلام درباره هنر، نظریه‌ای مستقل دارد، شروع کرد. وی گفت: متأسفانه عادت پیدا کرده‌ایم که هرچه از غرب به کشور وارد می‌شود، با خود فضای خودش را هم می‌آورد و در این جا هم به همان شیوه درباره آن بحث می‌شود که این امر قابل سربایت به هنر نیز هست. هنر همیشه متعلق به خداست، هرچند که هنرمند احساس کند در کارش آگاهی دخالت دارد. هنر اساساً به باطنی متعلق نیست و تمام رشته‌های هنری محصول بخشش خاص الهی به هنرمندان.

## قلمبه‌گویی کارشناسی

جالبی افتاد. افشین پیروانی کارشناس مسابقه در انتهای صحبت‌هاش گفت: «من فقط می‌خواهم بگویم پیروزی ربطی به تمرین ندارد، پیروزی عادت است و برزیل عادت دارد برنده شود.» اینکه این جمله چه معنایی دارد و آیا اساساً می‌شود از آن سبزی فهمید یا نه را به عهده مخاطبان می‌گذاریم. اما پرسش این است که ما به عنوان مخاطب، با شنیدن این حرف کارشناسی باید چه اقدامی انجام دهیم؟ یعنی چه کنیم؟ تمرین مان را رها کنیم؟ بعد چه‌طور به بردن عادت کنیم؟ بعد آن وقت اگر همه به بردن عادت کنند، چه کسی باید بازنده چون بالاخره لابد بقیه هم از این کارشناس‌ها دارند.

حرف‌های قلمبه، حتی اگر زیبا و جذاب باشند، پتانسیل خوبی برای فریب مخاطب دارند، حواسمان باشد.
Hamidreza\_abak@yahoo.com



در سومین و آخرین بخش از این نشست که با سخنرانی بهاء‌الدین خرمشاهی قرآن‌پژوه آغاز شد، او به بیان نظریه خود درباره ساختار اعجازین قرآن پرداخت. خرمشاهی با بیان این که بحث من بحثی بر لبه رتگ‌ها است و برای شنیدن آن باید قریحه شنوندگان تلطیف شود، اظهار داشت: نظر‌های گوناگون درباره اعجاز قرآن وجود دارد که برخی اعجاز آن را ادبی و برخی اعجاز آن را ناشی از اخبار از آن می‌دانند. من به پیروی از جرجانی، حافظ و زمخشری به اعجاز ادبی قرآن و اعجاز در ساختار زبانی آن معتمد، اما انتظار ندارم که پیرو این حرف‌برخی برداشت‌های ناروا نسبت داده شود.

او در تشریح آن‌چه که آن را نظریه خودش می‌نامید، افزود: برخی از مستشرقان گفته‌اند کلام قرآن در بیان مطالب پیگیرانه نیست. آغاز نظریه من از همین جاست، یعنی از تعجب مستشرقان؛ معتقدم اگر قرآن کتابی موضوعی بود و مسائل را یک به یک دنبال و در پایان، احکامش را به ترتیب نظام مسائل طرح شده بیان می‌کرد، دیگر طراوت کنونی را نداشت و نو به نو شدن مداوم در فرات آن دست‌یافتنی نبود. این که قرآن از ده‌ها موضوع مختلف در یک جا حرف می‌زند فضای خودش را هم می‌آورد و در این جا هم به همان شیوه درباره آن بحث می‌شود که این امر قابل سربایت به هنر نیز هست. هنر همیشه متعلق به خداست، هرچند که هنرمند احساس کند در کارش آگاهی دخالت دارد. هنر اساساً به باطنی متعلق نیست و تمام رشته‌های هنری محصول بخشش خاص الهی به هنرمندان.

## قلمبه‌گویی کارشناسی

جالبی افتاد. افشین پیروانی کارشناس مسابقه در انتهای صحبت‌هاش گفت: «من فقط می‌خواهم بگویم پیروزی ربطی به تمرین ندارد، پیروزی عادت است و برزیل عادت دارد برنده شود.» اینکه این جمله چه معنایی دارد و آیا اساساً می‌شود از آن سبزی فهمید یا نه را به عهده مخاطبان می‌گذاریم. اما پرسش این است که ما به عنوان مخاطب، با شنیدن این حرف کارشناسی باید چه اقدامی انجام دهیم؟ یعنی چه کنیم؟ تمرین مان را رها کنیم؟ بعد چه‌طور به بردن عادت کنیم؟ بعد آن وقت اگر همه به بردن عادت کنند، چه کسی باید بازنده چون بالاخره لابد بقیه هم از این کارشناس‌ها دارند.

حرف‌های قلمبه، حتی اگر زیبا و جذاب باشند، پتانسیل خوبی برای فریب مخاطب دارند، حواسمان باشد.

Hamidreza\_abak@yahoo.com

## وضعیت موبین احوال ما

همه چیز از درون یک وضعیت بی‌ثبات بیرون می‌آید و به وضعیت موبین بستگی دارد. باور کنید که اوضاع در ایران جنبش ساختارمند نیست، اگر هم ساختاری داشته باشد، ساختار موبین دارد. اما نمی‌دانم چرا در تحلیل «احوال ایرانی» همگان دنبال ادله ساختارمند می‌گردند.

در مورد فوتبال، از برانکو و بازیکنان و تحلیلگران و روزنامه‌نگاران، همه و همه دنبال علت و معلول ساختاری یا علت اصلی می‌گردند. البته «احوال ایرانی» را شاید بتوان به دوره «گذار» حالت داد. هر چند به قول ظریفی معلوم نیست این دوره «گذار» دوپست‌ساله کی تمام می‌شود! از صبر مشروطه تا به حال مسائل همیشه به‌طور مداوم خردمان کم‌نبرد از این حرف و حدیث‌ها، گویا به اصطلاح «تجربه‌ها» در کجا خراج شده است؟ هر باختری را (چه در فوتبال، چه در سیاست) آنچه تحت عنوان کلی پشترفت نامیده می‌شود) یک تجربه می‌دانیم که البته در «بازی» بعد به کار نمی‌آید! و حالا ز غرور جریحه‌دار شده‌ایم! حرف می‌زنیم. اما این غرور درباره چیزهایی که باید و شاید، سال‌هاست به خواب رفته! لاقفل مِرآب باشم برای عقب نماندن از دیگران در فحش دادن، خیط نشویم!

چند به قول ظریفی معلوم نیست این دوره «گذار» دوپست‌ساله کی تمام می‌شود! از صبر مشروطه تا به حال مسائل همیشه به‌طور مداوم خردمان کم‌نبرد از این حرف و حدیث‌ها، گویا به اصطلاح «تجربه‌ها» در کجا خراج شده است؟ هر باختری را (چه در فوتبال، چه در سیاست) آنچه تحت عنوان کلی پشترفت نامیده می‌شود) یک تجربه می‌دانیم که البته در «بازی» بعد به کار نمی‌آید! و حالا ز غرور جریحه‌دار شده‌ایم! حرف می‌زنیم. اما این غرور درباره چیزهایی که باید و شاید، سال‌هاست به خواب رفته! لاقفل مِرآب باشم برای عقب نماندن از دیگران در فحش دادن، خیط نشویم!

## حماسه وبلاگ‌نویسی

اصطلاح پرسه‌زنی برای زنان و جوانانی که در فضای مجازی زندگی می‌کنند استفاده کنم. با این تفاوت که پرسه‌زنی در فضای واحد محدودیت‌هایی برخوردار است. پرسه‌زنی مجازی بدون ترک صندلی راحت خود و بدون ورود در شهر از طریق رسانه‌ها و اینترنت در سالن‌های بحث یا وبلاگ گردش می‌کند تا آنجا که به بحث ما مربوط می‌شود از طریق وبلاگ گردی و وبلاگ‌نویسی هویت‌های متعددی برای خود فراهم می‌کند. پرسه‌زن در فضای مجازی اگرچه می‌خواهد خود را بنمایاند و به دیگران بشناساند در عین حال در گمنامی جدید به سر می‌برد. همواره میل به ناشناخته ماندن و پنهان ساختن هویت خود دارد. این پرسه‌زدانی و گمنامی در عین حال میل به شناخته شدن از تضادهای عمیق در زندگی روزمره است. این کار فقط از طریق تفسیر روش تدریس میسر است. ما نمی‌توانیم بدون فلسفه، افراد متفکری باشیم. اگر مشکلات خود را بر مبنای فلسفی حل نکنیم بسیاری عقب خواهیم ماند. ملتی که با فلسفه آشنا نباشد نمی‌تواند پیشرفت کند. فلسفه به ما یاد می‌دهد که خودمان را مسئول احساس کنیم. حتی یک فرد معمولی می‌تواند گفت‌وگوهای فلسفی داشته باشد. فقط کافی است به او آگاهی فلسفی داده شود. همه به این آگاهی نیاز دارند.

## انسان زیستی، انسان فرهنگی



**ناصر فکوهی**:
انسان‌شناسی، پرسمان (پروبلماتیک) انسان را به شیوه‌ای کاملاً متفاوت با سایر علوم اجتماعی مطرح می‌کند و به نوعی خود را در موقعیتی در آن واحد برجسته اما قابل اعتراض جای می‌دهد:

حرکت خلاف جریان در این علم به نسبت سایر علوم اجتماعی و انسانی در آن است که نمی‌خواهد (و بهتر است بگوییم) نمی‌داند بعد زیستی را در مطالعه انسان کنار بگذارد و آن را به‌طور کامل به آنچه به درستی یا به غلط علوم دقیقه نام گرفته‌اند، واگذارد. مسئله برای انسان‌شناسی در این محور اساسی خلاصه می‌شود که اعتبارش جای می‌دهد: انسان‌شناسی نیز پیش از هر چیز آن است که آیا این آمیزش طبیعی زیستی و خصوصیات فرهنگی وجود دارد و خود را به صورت‌های مختلف بازمی‌نمایاند. بنابراین وظیفه انسان‌شناسی اینست که آیا فرهنگ را کسب‌یاری رمزگشایی کند. رابطه میان بعد زیستی و فرهنگی در انسان را می‌توان به سادگی با رابطه مشابهی که می‌توان میان طبیعت و فرهنگ پیش نهاد، مقایسه کرد؛ و نخستین پرسش در اینجا آن است که آیا این رابطه رابطه‌ای است پیوستاری (ظیفی) و یا رابطه‌ای کسب‌یاری؟ آیا فرهنگ را باید شکل تکامل یافته‌ای از طبیعت تلقی کرد و یا باید آن را نوعی گسست در امر طبیعی دانست که اصولاً موجودیت طبیعی و منطقی و چرخه‌های طبیعی را به اختلال انداخته و تمایلی خواسته یا ناخواسته به جایگزین کردن آنها با ساز و کارها و ابداع‌های خویش دارد؟ پاسخ به چنین پرسش‌هایی توجه داشت که چنین پاسخ‌هایی را نمی‌توان بدون دسترها و زمینه‌های خاصی که موجودیت‌های انسانی را به صورت فردی یا جمعی درون خود می‌گیرند، ارائه داد. نخستین گرایش در تاریخ انسان‌شناسی آن بوده است که با حرکت از نظریه تطوری نوعی موازات میان تحول و تکامل طبیعی در مفهوم رشد بیولوژیک و رشد فرهنگی قائل شوند. اما این پرسش هر چه بیش از پیش توانایی خود را به توضیح دادن پدیده‌های جدیدی که رفتارشناسان جانوری با مطالعه‌اتشان در جوامع انسانی می‌یابند از دست می‌دهد. به در مورد فرآیند زیسته‌های حیوانی می‌تیم و در نوشته‌های بعدی بار دیگر به این موضوع و به نکات ظریف موجود در آن بازمی‌گردیم.

آن در مورد تا همین اواخر به مثابه بارزترین اشکال گسست انسان از طبیعت و تفاوت اساسی میان بعد زیستی و بعد فرهنگی انسان‌ها و جوامع انسانی تلقی می‌شدند: نخست موضوعیت جهان‌شمول ازدواج با محرم که کمابیش در همه فرهنگ‌های انسانی مشاهده شده و عامل اصلی رشد این جوامع و بزرگ شدن آنها و گسترش یافتن باطن در این پهنه‌های سرزمینی بوده است و سپس رابطه خاصی میان انسان‌ها که ما آن را «میدانه» نامیده‌ایم و بر اساس آن یک خدمت یا کالا در قبال خدمت یا کالای دیگری رد و بدل می‌شود و به مدارهای اقتصادی و فرهنگی دامن می‌زند. مطالعات جدید رفتارشناسی جانوری هر دو این پدیده‌ها را در نزد پستانداران پیشرفته مشاهده کرده‌اند. بنابراین امروز پرسش آن است که آیا می‌توان از یک «فرهنگ حیوانی» نیز در کتاب یک «فرهنگ انسانی» سخن به میان آورد؟ و یا اینکه آیا می‌توان آنچه را تا امروز «فرهنگ» می‌پنداشتیم، اصولاً نوعی از طبیعت تغییر شکل یافته در نظر بگیریم؟ پاسخ به این پرسش‌ها را، لاقفل به صورتی نسبی، با شکافتن مفاهیم بی‌شماری که انسان‌شناسی جدید به بحث گذاشته است می‌توان به دست آورد.

## مهد فلسفه بی فیلسوف مانده

**محمود فاضلی** : بی تردید آقای موجوپولوس استاد فلسفه دانشگاه آتن و رئیس سابق این دانشگاه از چهره‌های آکادمیک فعال و جنجالی دانشگاه‌های این کشور و منتقد سیاست‌های فرهنگی دولت‌های این کشور بدون توجه به جناح‌بندهای سیاسی این کشور در سال‌های اخیر بوده است. وی معتقد است «شورش» به عنوان مهد فلسفه، از قرن هفدهم و پس از «آناناسیوس شوفیلوس» که در ارسطو فلسفه‌اش بود، هادقت یک فیلسوف واقعی بوده است. فلسفه یونانی رنگ فلسفه غربی به خود گرفته و آثار و تجعات منفی آنها در دهه‌های آینده مباحث خواهد شد.»

وی در مقابل این سؤال که زبان فلسفه زبان خشک است مدعی است: «ما خیلی از عبارات خشک و غیرقابل فهم را رها کرده‌ایم ولی مشکل جای دیگری است. ما سنت تدریس فلسفه را رها کرده‌ایم.» اگر این طور پیش برود، به زودی فلسفه یونان باستان هم تدریس نخواهد شد. هم‌اکنون در دانشگاه‌های ما فلسفه ارسطو آموزش داده نمی‌شود. فلسفه افلاطون هم به صورتی بسیار محدود مطرح می‌شود. از فلسفه مذهبی هم که فقط مسئله اخلاقی آن تدریس می‌شود. «به نظر وی دلیل عدم تدریس چنین مباحثی در دانشگاه‌های یونان، بی‌شودا استاید و سیستم آموزشی ضعیف این کشور است چرا که به دانشجوایان یاد داده نمی‌شود که درس را با استدلال یاد بگیرند و زمینه تشویق آنان را نیز فراهم نمی‌کنند بلکه آنان را وادار می‌کنند به صورت طولوی وار درس را یاد بگیرند که البته پس از مدتی فراموش خواهد شد. برای علاقه‌مندی دانشجویان به فلسفه، بیان ارتباط مسائل فلسفی با مشکلات و نیازهای روزمره بسیار ضروری است. این کار فقط از طریق تفسیر روش تدریس میسر است. ما نمی‌توانیم بدون فلسفه، افراد متفکری باشیم. اگر مشکلات خود را بر مبنای فلسفی حل نکنیم بسیاری عقب خواهیم ماند. ملتی که با فلسفه آشنا نباشد نمی‌تواند پیشرفت کند. فلسفه به ما یاد می‌دهد که خودمان را مسئول احساس کنیم. حتی یک فرد معمولی می‌تواند گفت‌وگوهای فلسفی داشته باشد. فقط کافی است به او آگاهی فلسفی داده شود. همه به این آگاهی نیاز دارند.

### حیات مسالمت آمیز ملت‌ها

چهارشنبه گذشته در پایتخت قرقیزستان همایش بین‌المللی «گفت‌وگوی تمدن‌ها و حیات مسالمت‌آمیز ملت‌ها» با حضور اندیشمندان آغاز به کارکرد. به گزارش مهر به نقل از نوسونی، این همایش با همکاری وزارت فرهنگ قرقیزستان برگزار شد و در آن دانشمندان برجسته، نویسندگان و شخصیت‌های اجتماعی قرقیزستان، روسیه، ترکیه، قزاقستان، ازبکجانان، تاجیکستان، مولداوی، ازبکستان، اوکراین، مغولستان و دیگر کشورها حضور داشتند. نویسندگان مشهوری چون «چنگیز آیمتاتوف»، «اولاس سلیمانوف» و «گولی اولساینا» نیز در این همایش حضور داشتند.

